



جای خالی الگوهای عملی اخلاق در جامعه

من اهل فلسفه‌ام اما محتوای فلسفه را تنها آن چیزی نمی‌دانم که در جامعه جا افتاده است که مثلاً تنها درباره عقول عشره و ذات، وجود و... صحبت کنم.

دکتر سیدیحیی یثربی: من اهل فلسفه‌ام اما محتوای فلسفه را تنها آن چیزی نمی‌دانم که در جامعه جا افتاده است که مثلاً تنها درباره عقول عشره و ذات، وجود و... صحبت کنم.

من دوست دارم ضمن تفکر درباره مابعدالطبیعه به دور و برم نیز توجه داشته باشم. یعنی علاوه بر نگاه به آسمان‌ها به زمین زیر پایم هم توجه می‌کنم. برای همین گاهی آنچنان دغدغه‌هایم مرا فرا می‌گیرد که می‌خواهم همه‌چیز را رها کنم و اندکی با رهایی از تشویش‌ها و اضطراب‌های روزانه به آرامش ذهنی برسم... یکی از این دغدغه‌های روزمره اخلاقی است که به نظر می‌رسد این روزها در جامعه کم‌رنگ‌تر از پیش شده است.

اخلاق در نظام‌های گذشته، مثلاً 100 سال پیش 2 پشته‌دانه داشت یکی موعظه و دیگری تنبیه. در دنیای پیچیده امروز اما این دو پشته‌دانه دیگر کارایی کافی را ندارند اگر چه لازمند. بنابراین برای مبارزه با پایمال شدن ارزش‌های اخلاقی در جامعه تنها رویکرد موعظه دادن، بازداشتن و تنبیه کفایت نمی‌کند. در جامعه‌ای که به تعبیر امام دچار هزار گونه هجمه است؛ باید درباره رواداری ارزش‌های اخلاقی بنیادی‌تر فکر کرد. ما علاوه بر آن دو پشته‌دانه سنتی به دو امر دیگر نیز نیاز داریم.

یکی فراهم آوردن زندگی سالم برای عموم مردم است؛ به این معنا که با بر طرف کردن تبعیض و ستم و مقابله با فقر شدید مردم در مقابل افزایش ثروت روز افزون برخی دیگر بتوانیم زمینه‌ای را برای تشویق مردم به ارزش‌های اخلاقی فراهم بیاوریم. تا این مسئله محقق نشود هیچ موعظه و تنبیهی نتیجه ندارد. بنابراین باید روش‌مان را در ترویج ارزش‌های اخلاقی تغییر بدهیم و حداقل مشکلاتمان را درست درک کنیم.

در دومین مرحله نیز باید علاوه بر فراهم کردن بستری مناسب برای زیستی عادلانه و اخلاقی الگوهای اخلاقی را در جامعه نشان‌داد و به مردم معرفی کنیم. ما متأسفانه الگوهای اخلاقی را در جامعه نمی‌توانیم به درستی نشان دهیم. در صدا و سیما ما هنرمندان، اهالی موسیقی، بازیگران و ورزشکاران مدام به مردم معرفی می‌شوند اما قهرمانان ارزش‌های اخلاقی که الگوهای عینی ارزشمندی جامعه هستند هیچ جایی ندارند. به تعبیری در یک نظام ارزشی از شخصیت‌های الگو که پایبند ارزش‌های اخلاقی هستند خبری نیست.

ما مدام در قالب موعظه می‌گوییم که علی(ع) در برابر بیت‌المال حساس بود. علی(ع) حتی دختر خود را تهدید می‌کرد که اگر چیزی را به امانت برده باید پس بیاورد و... اما یک‌بار نمی‌شنویم که مسئولی حقوق نگیرد و بگوید مثلاً من مقداری ارث پدری دارم و از آن ارتزاق می‌کنم و دیگر نیازی به ارتزاق از بیت‌المال ندارم.

با توجه به اوضاع جاری و اینکه همه باید اقتصاد مقاومتی را جدی بگیرند ما نمی‌بینیم که مسئولان، که می‌دانیم برخی‌شان وضع مالی خوبی نیز دارند ساده زیستی را پیشه کنند و مثلاً به جای خودروهای شخصی از وسایل نقلیه عمومی استفاده کنند. بسیاری از ایشان حتی از خیر یارانه 45 هزار تومانی‌شان هم نمی‌گذرند. اگر بنابر الگوسازی باشد رسانه ملی باید نشان دهد ما ده‌ها مسئول داریم که مانند بسیاری از مردم در خانه‌های کوچک با وسایل محدود زندگی می‌کنند و از وسایل حمل‌ونقل عمومی استفاده می‌کنند.

متأسفانه گاه سفرهای مسئولان ما نیز که باید برای سرکشی و رفع مشکلات باشد بیشتر برای دست تکان دادن برای مردم و جلسات بی‌حاصل و تشریفات می‌گذرد. اینها در یک نظام ارزشی ضدارزش است. از مردمی که به جای آشنایی با الگوهای عملی اخلاق در جامعه دم به دم از ویژه‌خواری و زندگی‌های رفاه‌زده و اختلاس مسئولی خبردار می‌شوند، نمی‌توان انتظار رفتار اخلاقی داشت.

پس غیر از 2 عامل سنتی موعظه و تنبیه در جهان امروز اخلاق نیازمند به 2 عامل بسترسازی و نشان دادن الگوهای عینی

اخلاقي نيز است؛ اخلاقي كه در اسلام حتي هدف بعثت پيامبر نيز تكميل مكارم اخلاقي عنوان شده است.

استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائي